این مقاله به زبانهای فارسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و عربی، در وب سایتهای مربوطه پژوهشکده موجود می باشند.

Research Institute Andishe Online Germany AOG

اصل عدم تساوی انرژی کل با مجموع انرژی اجزاء: الهام از آنتولوژی استاد الهی برای ارائه نظریه‌ای نو در بستر علوم تلفیقی

یک کار پژوهشی، در ارائه یک تئوری نوین، از فرامرز تابش

Article Metadata

Author: Faramarz Tabesh
ISNI: 0000 0005 2737 2290

Affiliation: Founder and Director, Research Institute Andishe Online Germany (AOG)
ISNI: 0000 0005 2724 714X | **Ringgold ID:** 823032

Journal: Andishe | **ISSN:** 1619-9898
ORCID: 0009-0009-2636-2126
GitHub: https://github.com/FaramarzTabesh/Faramarz-Tabesh
Wikibase: https://aogdata.wikibase.cloud/wiki/My_Publications
Zenodo:https://zenodo.org/search?q=metadata.creators.person_or_org.name%3A%22Tabesh%2C%20Faramarz%22&l=list&p=1&s=10&sort=bestmatch
Academia: https://independent.academia.edu/FaramarzTabesh
Mewdium: https://medium.com/@f.tabesh
OSF:
English: https://doi.org/10.17605/OSF.IO/EGMPC
Persian: https://doi.org/10.17605/OSF.IO/W3M58
French: https://doi.org/10.17605/OSF.IO/ETXPS
Spanish: https://doi.org/10.17605/OSF.IO/DKSEQ
German: https://doi.org/10.17605/OSF.IO/ZW47U
Arabic: https://doi.org/10.17605/OSF.IO/Z3PB5

Article Type: Interdisciplinary Sciences (also known as Integrative Sciences)

Keywords:
Ontology, Cognitive Discussion, Scientific Analysis, Conceptual Misconceptions, Epistemology, Interdisciplinary Critique, Philosophy of Mind.

Publication Dates:
Persian (Original Edition): Published on October 30, 2019
Persian (Revised Edition): Published on September 1, 2025
English, German, French, Spanish, and Arabic Editions: Scheduled for publication on September 1, 2025

Archive Code:n,hgdsl: Hwg unl jsh,d hkvCdög fhlül,uhkvCd hüchM

اصل عدم تساوی انرژی کل با مجموع انرژی اجزاء:
الهام از آنتولوژی استاد الهی برای ارائه نظریه‌ای نو در بستر علوم تلفیقی

چکیده

مقاله حاضر به عنوان تلاشی برای تلفیق علم و متافیزیک تهیه شده است. در این پژوهش، با الهام از افق هستی‌شناسی استاد الهی، اصل ***"عدم تساوی انرژی کل با مجموع انرژی اجزاء"*** به‌عنوان بنیانی نظری برای تدوین یک چارچوب نوین، متشکل از فیزیک- مکانیک کوانتمی- زیست شناسی، معرفی می‌شود؛ اصلی استوار بر این واقعیت که پدیده های پیچیده، نه فقط حاصل جمع اجزاء، بلکه حاوی کیفیت‌هایی فراتر از آن می باشند. این نظریه، می‌تواند زمینه‌ای برای هم‌نهادی عمیق‌تر میان علوم آکادمیک و متافیزیک مدرن فراهم سازد، و درک ما از ساختار واقعیت هستی را دگرگون کند.

در پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان ما معتقدیم:

" در کمتر از دو دهه آینده، نظم نوینی بر سیاره زمین حاکم خواهد شد. یکی از خصوصیت های آن نظم جدید، دگرگونی های بنیادین در همه حوزه های علمی می باشد. در حال حاضر ما تنها در حال ساختن چهارچوب های اولیه هستیم."

پژوهش حاضر به زبانهای انگلیسی، فارسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و عربی در دسترس می باشند.

پیشگفتار

همانطور که همه علاقمندان به تاریخ علم مطلع هستند، در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم، به تدریج علمی به وجود آمد که آن را **مکانیک کوانتم**[۱] نام نهادند. اساس این علم را می توان تحقیقات **ماکس پلانک**[۲] در زمینه تابش نور بر روی اجسام سیاه دانست. به نظر می آید پلانک اولین کسی باشد که در دوران معاصر از کلمه کوانتم به مفهوم یک قطعه یا یک المنت خیلی کوچک، استفاده نمود.

به دنبال همین تحقیقات، **هایزنبرگ**[۳] **اصل عدم قطعیت**[۴] را در سال ۱۹۲۷ فرموله نمود و به همین دلیل و تحقیقاتی دیگر، نامش به عنوان پدر مکانیک کوانتم ثبت شد. در همان سالها، اتفاقات علمی دیگری رخ داد که خبر از پایان **تفکرات دکارت - نیوتنی**[۵] می داد. از جمله آنکه، **آلبرت اینشتین**[۶] طی مقاله ای اعلام نمود که **معادلات نیوتنی، تنها در بخش و وضعیت محدودی، صحت پیدا می کند**[۷]. کمابیش در همان دوران، **ماکس بورن**[۸]، **ورنر هایزنبرگ** و **پاسکال جوردان**[۹] ، **مکانیک ماتریسی**[۱۰] را فرموله نمودند. در سال ۱۹۲۶ **اروین شرودینگر**[۱۱] معادله مکانیک کوانتم خود را با نام *"معادله موج"* ارائه داد و درست در همان سال، جان **هاسبروک**[۱۲]، کتابی که شاید بشود آن را **اصول کوانتم و طیف خطی نور**[۱۳] ترجمه نمود، منتشر ساخت. حول و حوش همین دوران، دانشمندان معتبر دیگری نیز به نظریه پردازی در مورد طرز فکری پرداختند که با سرعت، نام *"مکانیک کوانتم"* را کسب نموده بود.

همـه آنچـه باعـث ایجـاد ایـن علـم شـد، چـه در زمینـه محاسـبات ریاضـی و فرمـول هـای مربوطـه، کـه برخـی از آنهـا بـه علـت **خروجـی بـی نهایـت در محاسـبات**[۱۴]، چنـدان قابـل قبـول نبـوده و نیسـتند، و چـه از نـوع فلسـفی و احتمـالات، ماننـد نظریـه **گربـه شـرودینگر**[۱۵] و از انـواع دیگـر آن، کـه آلبـرت اینشـتین آنـرا **ایـده آلیسـم فیزیکـدانان**[۱۶] مـی نامیـد، یقیـنن یـک پیـام بسـیار مهـم را در بطـن خـود بـه ارمغـان آورد. ایـن پیـام آن بـود کـه دوران تفکـرات علمـی، از زاویـه جهـانبینی خشـک و یکسـویه نیـوتن -دکـارتی بـه پایـان رسـیده اسـت و اینـک لازم اسـت بـه پدیـده هـا بـا دیـدی جدیـد و از زاویـه ای متفـاوت نگریست.

نگاهی گذرا بر آنتولوژی (هستی شناسی) استاد الهی

اینک از دوران تفکرات کوانتمی هایزنبرگی، حدود یک قرن می گذرد و متاسفانه شاهد آن هستیم که علم مکانیک کوانتم نیز، بنا بر اظهارنظر اینشتین:

"ما را حتی قدمی به راز آن قدیمی ترین(خدا) نزدیک نکرده است."

این علم نیز مانند همه علوم دیگر، ناتوانی خود را در تشـریح ایجاد **جهان هسـتی**[۱۷] به اثبات رسـانده اسـت. در این وضـعیت، همواره لزوم گشـایش دریچه ای جدید که از آن بتوان با دیدی متفاوت به پدیده های تاثیرگذار در سـاختار جهان هسـتی نگریسـت، احساس می شده است.

با ارائه **علوم تلفیقی**[۱۸] در پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان که برگرفته از آموزش های آنتولوژی **استاد نورعلی الهی**[۱۹] می باشند، حال، زمان آن فرا رسیده است که از تفکرات کوانتمی هایزنبرگی نیز پا فراتر نهاده، مرز دانش را جابجا نماییم.

با پی گیری و مطالعه مقالاتی که تا این سـاعت در بخش علوم تلفیقی پژوهشـکده اندیشـه آنلاین آلمان انتشـار داده ایم، اهل فن و صاحبان خرد، به این امر پی می برند که این تغییر در دیدگاه علمی، هم اکنون آغاز شده است.

یکی از معضلاتی که هیچکدام از علوم آکادمیک، از جمله مکانیک کوانتم، فیزیک ذرات و یا بیولوژی در کلیت خود، هرگز بدان نیندیشیده اند و می توان گفت هنوز در حاکمیت تفکرات دکارتی- نیوتنی قرار دارد، مسئله ارتباط کل با اجزاء می باشد.

حدود پانزده سـال پیش، هنگام جمع آوری دسـت نوشـته هایم که نتیجه تحقیقات سـالهای پیش از آن بود، به یکی از مقالاتم در این مورد برخورد نمودم و با طراحی چند گرافیک و فرموله نمودن آن از نظر ریاضـــی، توانســـتم نتیجه تحقیقاتم را در قالب یک نامعادله علمی درآورم. در تاریخ پنجم ماه آپریل سـال ۲۰۱۹ میلادی در بخش علوم تلفیقی پژوهشـکده اندیشـه آنلاین آلمان، تحت عنوان **مبحث دوم. بررسـی مرحله جمادی**[۲۰] این طرح و فرمول ریاضـــی مربوطه را منتشـــر نمودم، بدون آنکه به تشـــریح آن بپردازم، زیرا برای تفسیر این نظریه، لازم بود ابتدا مطالب علمی دیگری از هستی شناسی استاد الهی استخراج شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و در این پژوهشکده انتشار یابند. مطالب تعیین کننده ای مانند:

- آیا ماده دارای یک **بعد کوانتمی**[۲۱] نیز می باشـد. اگر چنین اسـت، چگونه باید آنرا تعریف و توصـیف نمود تا از حوزه خرافه و اطلاعات علمی زرد خارج شده در چهارچوب علوم آکادمیک قابل اعتنا باشد.
- لازم بود برای **میدان مغناطیسـی**[۲۲]، یک تعریف عمیق تر از آنچه در حال حاضـر در مراکز علمی سـنتی مانند دانشـگاه ها وجود دارد ارائه می شد.

- باید **ذرات زیر اتمی**[۲۳]، فرمیون ها و آنتی فرمیون ها، با نگاهی متفاوت، بر اساس آنتولوژی ارائه شده توسط استاد الهی بررسی می شد، تا بر آن اساس، درک رفتارها و اینتراکشن های آنها نسبت به یکدیگر که باعث انسجام ماده می شود تسهیل گردد.
- لازم بود **دو منبع اصلی انرژی**[۲۴] که هر نوع انرژی دیگر، در سطح **مالتی ورس**[۲۵]ها از آن دو منبع تغذیه می شوند، توضیح داده می شد.
- باید **شبکه های هوشی**[۲۶] ساده تا پیچیده ترین نوع آن، از دیدگاهی نوین و کمی انقلابی، آنالیز و بررسی شده در دسترس پژوهشگران قرار می گرفت.
- و البته ده ها مورد دیگر به عنوان پیش زمینه ای برای ارائه نظریه هایی مانند **تئوری کوانتومگنتیک ها**[۲۷] و تئوری حاضر که در این مقاله پژوهشی ارائه می شود.

در اینجا باید به این امر مهم توجه داشت که برای جهانی شدن این نظریه ها، نیاز به تحقیقات مضاعف عملی در آزمایشگاه های مدرن مراکز علمی می باشد. از این جهت ما از همه پژوهشگرانی که در رشته های مورد نظر در دانشگاه های معتبر جهان مشغول تحقیق هستند دعوت می کنیم تا با ما همکاری با ما، در مسیر وسعت بخشیدن به دریچه ای که هم اکنون به سوی یک افق جدید گشوده شده است، همراه شوند.

عدم تساوی انرژی کل با مجموع انرژی اجزاء

تصور می کنم اینک با آنالیز و تفسیر آنتولوژی ارائه شده توسط استاد الهی، در پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان، که فوقن به برخی از آنها اشاره شد، موقع آن فرا رسیده، تا این تئوری ارائه شود، زیرا این مطلب را یکی از مهم ترین مسائل علمی و آکادمیکی می دانم که در تشریح بخش کوانتمی هر ماده، از یک اتم ساده تا موجود به غایت پیچیده ای چون انسان نقش اصلی را بازی می کند و ضمنن پرده از برخی اسرار خلقت برمی دارد.

طبق این اصل:

" در هر سیستم بیولوژیک، انرژی کل مجموعه، همواره بزرگتر است از مجموع انرژی اجزای تشکیل دهنده آن سیستم. این تفاوت در اندازه، به تدریج افزایش می یابد. "

تبصره اول:

باید بیاد داشـــت که منظور از انرژی در این تئوری، در واقع انرژی به علاوه اطلاعات اســـت. اما چون این اطلاعات نیز به صورت کدهای ویژه مغناطیسی در دیتابیس های ویژه در بعد کوانتمی ماده ذخیره می شوند، کل سیستم را یک سیستم انرژی با تعاریف خاص در نظر می گیریم.

تبصره دوم:

روح، یک اصطلاح کلاسیک برای پدیده ای می باشد که ما آن را بعد دوم ماده، یا همان میدان مغناطیسی کوانتمی ماده می دانیم و تعاریف و تشریحات لازم را هم ارائه داده ایم.

تبصره سوم:

هر پدیده و موجودی در جهان هستی، زنده، پویا و دارای شعور ویژه خود می باشد و این شعور، دائمن در حال گسترش است. مفهوم مرگ در واقع چیزی نیست جز دگرگونی. از اینرو لازم بلکه ضروری می باشد که هر جزء و موجود در جهان هستی به عنوان یک واحد زنده و دارای شعور مورد بررسی قرار گیرد.

تبصره چهارم:

هیچ موجودی در جهان از نقطه ای که هست به سطحی پایین تر از شعور فعلی خود سقوط نخواهد کرد. حرکت همیشه از پایین به بالا در جریان است. در مورد نوع انسان، در شرایط خاص، مسئله می تواند کمی متفاوت باشد.

تبصره پنجم:

همه واحدهای موجود در جهان هستی در قالب های متفاوت دارای یک هدف کلی می باشند:

جلب منفعت و دفع ضرر، تا با کمک این دو مولفه، تنازع بقای خود را تضمین کنند.

تبصره ششم:

تنازع بقاء، عاملی است که هر واحد موجود در جهان هستی را به سمت دست یابی به وضعیتی پایدارتر سوق می دهد و این به مفهوم سیرکمال موضعی می باشد تا در نهایت به کسب کمال نهایی آن واحد موجود بیانجامد.

تبصره هفتم:

میدان های مغناطیسی (بعد کوانتمی) هر نوع از موجود مادی، پس از کسب اطلاعات لازم که امکان دریافت آن در آن سطح وجود داشته باشند، ارتباط خود را با آن موجود مادی قطع نموده از اسارت آن خارج می شوند. این واقعیت، دلیل اصلی ایجاد پوسیدگی آن موجود مادی می باشد.

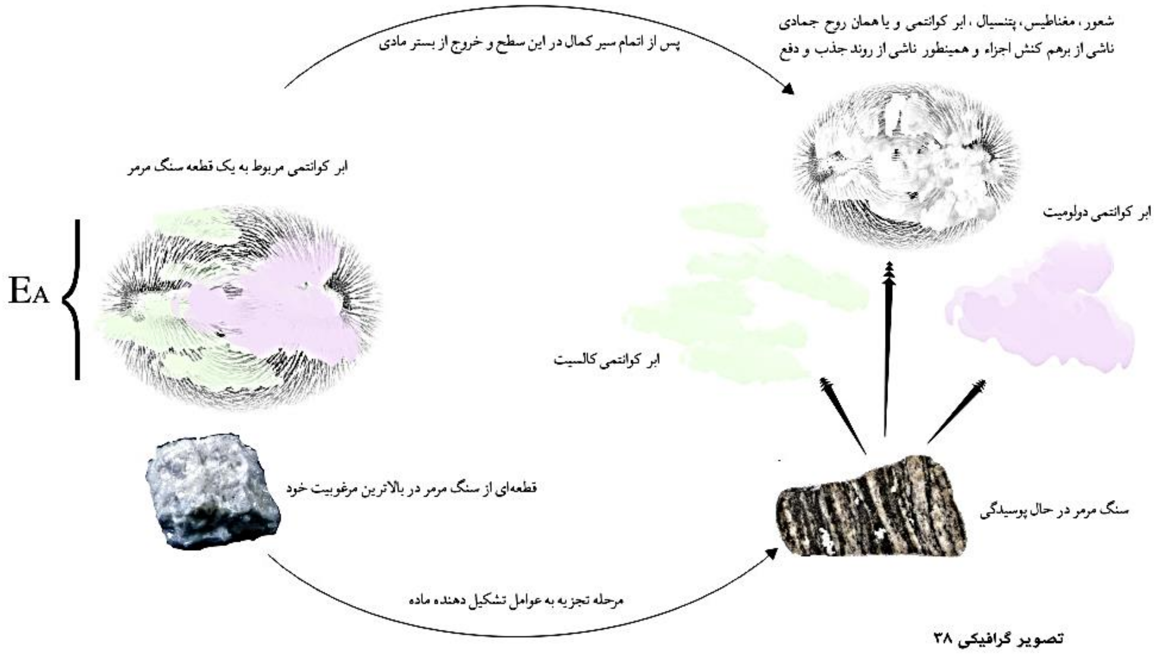
تبصره هشتم:

زمانی که مناسبات درونی یک واحد موجود، چنان ظریف شود که تغییرات در حد تحریکات مینیمم (minimal excitations) قرار گیرند، دیگر بحث در مورد بعد مادی آن موجود نیست، زیرا به بعد غیرمادی کوانتمی آن پدیده وارد شده ایم. در پژوهش حاضر، هر کجا از اصطلاح *"وضعیت کوانتمی"* استفاده شده است، مقصود همین وضعیتی است که توضیح داده شد.

تبصره نهم:

در این پژوهش علمی، از یک سطح خاص از پروسه تغییرات، در مرحله جمادی استفاده شده است. باید بیاد داشت که *"ابرخلاق کوانتمی"*، *"ابر کوانتمی"* و یا *"میدان مغناطیسی"* ، اصطلاحاتی هستند که برای مفهوم کلاسیک روح مورد استفاده قرار می گیرند.

برای روشن شدن این مطلب ابتدا به گرافیک زیر توجه فرمایید.



تصویر گرافیکی ۳۸

تشریح گرافیک فوق

در اینجا می توان مشاهده نمود که یک ابرخلقتی (میدان مغناطیسی یا همان بعد کوانتمی ماده)، پس از اتمام سیرکمال مقطعی خود، در یک سطح ویژه از پروسه کمال، از بستر مادی خود جدا می شود. این پروسه کمی پیچیده است، اما با زبان ساده تر که قابل درک برای اکثر خوانندگان باشد، می توان گفت:

" در سطح کوانتمی، ابرهای خلقتی جزء، از یکدیگر جدا می شوند زیرا، آن نیرویی که همه مجموعه را با یکدیگر در تعامل و همکاری نگه داشته است، در این مورد خاص، میدان مغناطیسی جمادی سنگ مرمر، سرانجام به استوارترین وضعیت ممکن در این مقطع دست یافته است. از این رو، از مجموعه جدا شده است."

جدا شدن میدان مغناطیسی جمادی از مجموعه، به این دلیل است که با کسب تجربه کافی که همان کمال مقطعی می باشد، قادر به یادگیری و اجرای چگونگی تثبیت بقای آن سیستم، در بالاترین حد ممکن، شده است. این قدرت و تجربه در اثر کنش و واکنش اجزای سیستم با یکدیگر و با محیط اطراف، در جهت جلب منفعت برای کل سیستم و دفع ضرر از سیستم، بدست آمده است. این پروسه در واقع زیر نظر روح، ابرخلقتی یا میدان مغناطیسی کوانتومی مربوطه به انجام رسیده است.

از آنجا که هنوز دانشمندان، از یک طرف دستگاه های مافوق حساس لازم برای به انجام رساندن آزمایشات لازم در این زمینه را در دست ندارند، و از طرف دیگر، بعلت نگرش نادرست به ماده و انرژی، قادر به مشاهدات و محاسبات بسیار دقیق و همزمان پدیده ها نمی باشند، چیزی که با ارائه اصل عدم قطعیت هایزنبرگ به اثبات رسید، از اینرو درک نامعادله زیر، برای بسیاری از افراد، حتی در سطح آکادمیک، آسان نیست. این نامعادله را چنین فرموله نموده ام:

$$E_A > E_{Do.} + E_{ca.} \Rightarrow E_A - (E_{Do.} + E_{ca.}) = E\psi_x$$

انرژی کل ابر کوانتمی > انرژی ابر خلقتی کالسیت + انرژی ابر کوانتمی دولومیت ⟸ انرژی کل ابر کوانتمی - (انرژی ابر کوانتمی کالسیت + انرژی ابر کوانتمی دولومیت) = روح جمادی در سطح x ($E\psi_x$)

این نامعادله را مستقیمن از کتاب

"*Biologie der Quantendimension; vor, während und nach dem Urknall* "

که به زبان آلمانی نوشته ام، آورده ام. شرح آن به فارسی چنین است:

EA= انرژی کل

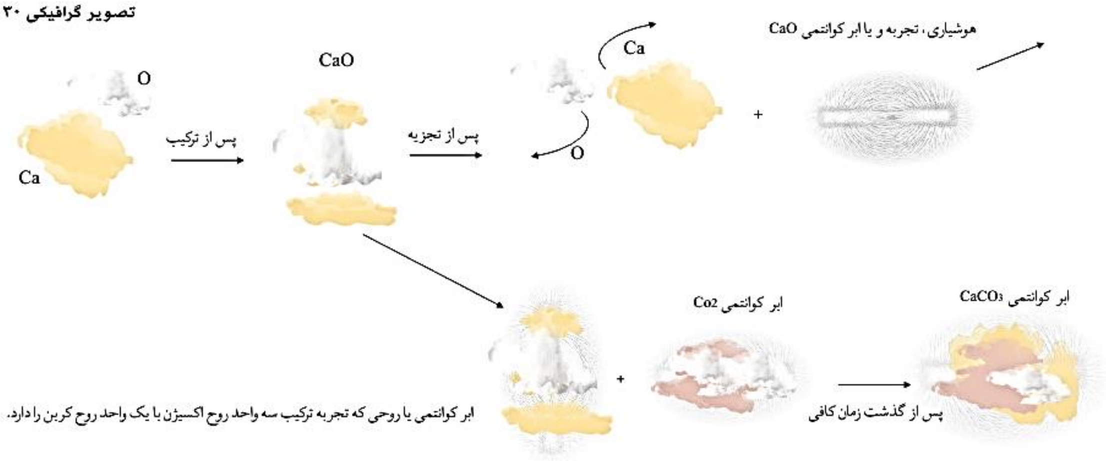
EDo.=انرژی ابرخلقتی دولومیت

Eca.=انرژی ابرخلقتی کالسیت

Pψx= میدان مغناطیسی جمادی در یک سطح ویژه (ایکس)

در کتاب***"زیست شناسی بعد دوم"*** این مطلب را کمی کامل تر، در قالب ایجاد بعد کوانتمی اکسید کلسیم و در ادامه سیرکمال به ایجاد میدان مغناطیسی کربنات کلیسم (سنگ آهک) که یک یا چند سطح پائین تر از سنگ مرمر است، به صورت زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده ام:

تصویر گرافیکی ۳۰



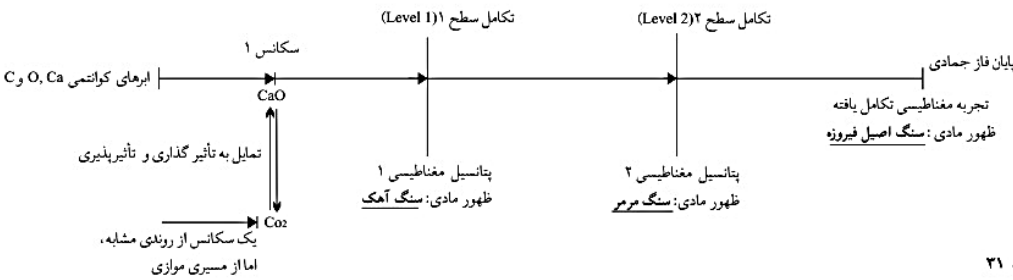
در قالب فرمول ریاضی

$$CaCO_3 \xrightarrow{\text{پس از تجزیه}} CaO + Co_2 + \Psi$$ (یک ابر کوانتمی که یک قطعه تجربه محدود است)

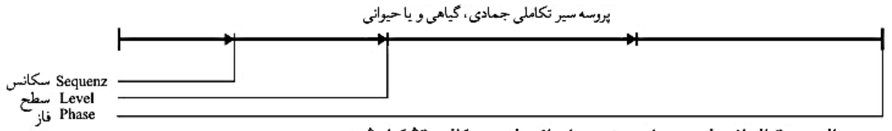
این بدان مفهوم است، پس از آنکه سیرکمال روح جمادی در این مقطع پایان یافت، مجموعه را ترک می کند و درست به همین دلیل است که اجزاء از یکدیگر جدا می شوند. **زیرا عاملی که تا این زمان، همه اجزاء را در تعامل و همکاری با یکدیگر و با محیط اطراف نگه می داشته است، دیگر وجود ندارد. این رخداد، در واقع مفهوم کلاسیک مرگ است در تمام سطوح خلقت از جمله در مورد انسان.**

در این میان، اتفاقی که عملن رخ می دهد آن است که کربنات کلسیم، از ابتدای ترکیب خود، بستری برای پرورش یک قطعه ابرخلقتی و کوانتمی بوده است. بدان معنا که به مرور زمان بر اثر کنش و واکنش مابین اجزاء، یعنی کربن، اکسیژن و کلسیم، با یکدیگر، و محیط اطراف با کل سیستم، در بعد کوانتمی، این ابر خلقتی به تکامل مقطعی از پیش تعیین شده خود در آن سطح (سنگ آهک) رسیده است.

بنابراین، پختگی و **تکامل مقطعی، به مفهوم کسب تدریجی انرژی بیشتر(با تعریف ما) می باشد که در انتهای این پروسه به بالاترین حد خود، در این مورد خاص به ایجاد سنگ فیروزه که یکی از سنگ های اصیل می باشد خواهد رسید**. از این رو در هنگام اضمحلال سیستم، زمانی که حداقل، کلسیم و کربنات از یکدیگر جدا می شوند، یک عامل دیگر نیز از مجموعه جدا شده است که روح، یا میدان مغناطیسی جمادی سنگ آهک می باشد. از اینرو فرمول و یا نامعادله فوق، مفهوم می یابد. این نامعادله در همه سطوح خلقت که با سیرتکاملی روحی موجوداتِ حداقل سیاره زمین سروکار دارند، معتبر خواهد بود. برای تعیین مقدار انرژی روح در این نامعادله، **زمان به عنوان بعد چهارم**[28] نقش بسیار مهمی را ایفا می کند.



گرافیک ۳۱



گرافیک ۳۲:
هر فاز جمادی ، گیاهی و حیوانی می تواند از چندین سطح و هر سطح از چندین سکانس تشکیل شود.

برای درک بهتر این نامعادله، فهم این مطلب از اهمیت زیادی برخوردار است که **انرژی روح** یا ابر خلقتی حاکم برمجموعه، **رفته رفته افزایش می یابد و ثابت نیست.**

در اینجا باید به یک نکته بسیار مهم اشاره شود و آن این است که، ما هنوز به تفسیر مکانیزم جذب، (یا کپی برداری) این میدان های مغناطیسی (ارواح) از محل نگهداری آنها در سه بعد کوانتمی، در بخش ویژه ای از فضا، و نحوه اتصال آنها به اجسام خود در اولین ظهور مادی، در سیارات، نپرداخته ایم. زیرا اگر این مسائل با یکدیگر به طور همزمان ارائه شوند، تئوری حاضر چنان پیچیده خواهد شد که شاید فقط برای افرادی قابل فهم باشد که آنتولوژی استاد الهی را کاملن درک نموده اند. بدیهی است که چنین افرادی بسیار معدود می باشند. از اینرو فعلن به این مطلب نمی پردازیم و فقط مسئله ایجاد میدان های مغناطیسی ویژه یا روح را در ارتباط با ترکیب ذرات زیر اتمی و یا اتم ها و ملکول ها و ارگان ها با یکدیگر آنالیز می نماییم. اما در مقالات آتی در جای خود، زمانی که احساس شود، مسئله بعد کوانتمی جسم، از نظر علمی، کاملن تشریح شده است، عمیقن به آن مطلب نیز خواهیم پرداخت.



پژوهشی از فرامرز تابش

کد مقاله در آرشیو پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان:
Hwg unl jsh,d hkvCdög fhlül,uhkvCd hüchM

ریفرنس و پانویس ها

همه توضیحات از فرامرز تابش می باشند

[۱] **مکانیک کوانتوم** شاخه‌ای بنیادی از فیزیک نظری است که با پدیده‌های فیزیکی در مقیاس میکروسکوپی سروکار دارد. در این مقیاس، کُنِش‌های فیزیکی در حد و اندازهٔ ثابت پلانک هستند.

The Feynman Lectures on Physics, Volume III: Quantum Mechanics
نویسنده: Richard P. Feynman
همکاری: Robert B. Leighton, Matthew Sands
انتشارات: Addison-Wesley, 1965
ISBN: 978-0465025015

[۲] **ماکس پلانک:** زاده ۲۳ آوریل ۱۸۵۸ - درگذشته ۴ اکتبر۱۹۴۷ . یکی از مهمترین فیزیک‌دانان آلمان در سده ۱۹ میلادی و اوایل سده ۲۰ بود. برخی او را پدر نظریهٔ کوانتوم می‌شناسند.

"Quantum: Einstein, Bohr, and the Great Debate about the Nature of Reality"
نویسنده: **Manjit Kumar**
ISBN: 978-0393339888

[۳]**هایزنبرگ:** زاده ۵ دسامبر ۱۹۰۱ – درگذشته ۱ فوریه ۱۹۷۶. فیزیکدان آلمانی و برندهٔ جایزه نوبل فیزیک و یکی از بنیانگذاران مکانیک کوانتوم بود. وی را پدر مکانیک کوانتم می دانند.

"Uncertainty: The Life and Science of Werner Heisenberg"
نویسنده: David C. Cassidy (آمریکایی)
انتشارات: W. H. Freeman
ISBN: 978-0716725035

[۴] **اصل عدم قطعیت هایزنبرگ:** (Heisenberg's Uncertainty Principle) یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیم در مکانیک کوانتومی است و بیان می‌کند که:

نمی‌توان به‌طور هم‌زمان مکان و تکانه (اندازه حرکت) یک ذره را با دقت دلخواه اندازه‌گیری کرد.

https://www.andishe.online/newpage76048046

Richard Feynman, *The Feynman Lectures on Physics, Vol. III*
Chapter 1: Quantum Behavior
https://www.feynmanlectures.caltech.edu/III_01.html

[۵] **تفکرات دکارت–نیوتنی:** (Cartesian–Newtonian worldview) اشاره دارد به یک دیدگاه علمی، فلسفی و مکانیکی درباره جهان که در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی شکل گرفت. این جهان‌بینی، پایه‌ی بسیاری از علوم کلاسیک (پیش از مکانیک کوانتومی و نسبیت) بوده و تأثیر عمیقی بر فلسفه، فیزیک، زیست‌شناسی، روان‌شناسی و حتی الهیات گذاشته است.

Capra, Fritjof. *The Turning Point: Science, Society, and the Rising Culture*.

- **Publisher:** Bantam Books
- **Year:** 1982
- **ISBN:** 978-0553345728

[۶] **آلبرت اینشتین:**

Brian Greene. The Elegant Universe
Publisher: W. W. Norton & Company
Year: 1999
ISBN: 978-0393338102

در این کتاب، فیزیکدان آمریکایی برایان گرین به‌وضوح توضیح می‌دهد چگونه نظریات اینشتین جایگزین نظریه نیوتن در سطوح بنیادین شدند.

[۷] **نظریه آلبرت اینشتین در مورد فیزیک نیوتنی:** یک منبع معتبر علمی و جهانی وجود دارد. این موضوع بخشی از اساس نظریه نسبیت عام اینشتین است که در آن او نشان می‌دهد قوانین نیوتن (مکانیک کلاسیک) در سرعت‌های پایین و میدان‌های گرانشی ضعیف معتبرند، اما در شرایط شدید (مثل سرعت‌های نزدیک نور یا میدان‌های گرانشی قوی) باید جایگزین شوند.

عنوان مقاله:
"Die Grundlage der allgemeinen Relativitätstheorie"
(ترجمه: *The Foundation of the General Theory of Relativity*)

نویسنده: Albert Einstein
سال انتشار: 1916
منتشر شده در: *Annalen der Physik*
DOI: 10.1002/andp.19163540702

[۸] **Max Born – Biography – Nobel Prize Official Website**

لینک: https://www.nobelprize.org/prizes/physics/1954/born/biographical/

توضیح:
این صفحه رسمی جایزه نوبل شامل بیوگرافی کوتاه، دستاوردهای علمی، و توضیحاتی درباره زندگی و کارهای ماکس بورن است.

[۹] **Pascal Jordan – Biography – MacTutor History of Mathematics Archive**

لینک: https://mathshistory.st-andrews.ac.uk/Biographies/Jordan/

توضیح:
این صفحه در آرشیو تاریخ ریاضیات دانشگاه سنت اندروز، بیوگرافی کامل و معتبر پاسکال جوردن را همراه با دستاوردهای علمی و نقش او در توسعه مکانیک کوانتومی ارائه می‌دهد.

[۱۰] **Matrix Mechanics – Encyclopaedia Britannica**

لینک: https://www.britannica.com/science/matrix-mechanics

توضیح:
این مقاله دانشنامه بریتانیکا، مکانیک ماتریسی را به‌عنوان نخستین شکل کامل مکانیک کوانتومی معرفی می‌کند که توسط ورنر هایزنبرگ، ماکس بورن، و پاسکال جوردن در دهه 1920 توسعه یافته است.

[۱۱] **Erwin Schrödinger – Biography – Nobel Prize Official Website**

لینک: https://www.nobelprize.org/prizes/physics/1933/schrodinger/biographical/

توضیح:
این صفحه رسمی جایزه نوبل شامل بیوگرافی، دستاوردهای علمی و اطلاعات جامع درباره اروین شرودینگر، یکی از بنیان‌گذاران مکانیک کوانتومی، است.

[۱۲] **جان هاسبروک وان ولک**

فیزیک‌دان و ریاضی‌دان آمریکایی بود که در سال ۱۹۷۷ جایزه نوبل فیزیک برای کارهایی که در زمینهٔ سیستم‌های مغناطیسی و سیستم‌های نامنظم انجام داد به او اهدا شد.

John Hasbrouck Van Vleck – Biography – Nobel Prize Official Website

لینک: https://www.nobelprize.org/prizes/physics/1977/van-vleck/biographical/

توضیح:
این صفحه رسمی جایزه نوبل شامل بیوگرافی، دستاوردهای علمی، و نقش مهم وان ولک در توسعه فیزیک نظری، مخصوصاً مغناطیس کوانتومی، است.

[۱۳] **اصول کوانتومی و طیف‌های خطی:** Van Vleck, J. H. (1932). *Quantum Principles and Line Spectra*. New York: Van Nostrand Reinhold Company.

[۱۴] از نظر ما در پژوهشکده اندیشه آنلان آلمان و بر اساس آنتولوژی استاد الهی، هر معادله ای که **خروجی آن بی نهایت** باشد ، از اساس اشتباه و خطاست .

[۱۵] **گربه شرودینگر:** Baggott, J. (2011). *The Quantum Story: A History in 40 Moments*. Oxford University Press.

و یا به مقاله **«خرافه، مفهومی غیرقابل تفسیر»** در این لینک مراجعه کنید: https://www.andishe2.online/%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D9%81%D9%87

[۱۶] نامه‌های آلبرت اینشتین به ماکس بورن دربارهٔ مکانیک کوانتومی در طی یک دوره طولانی و در چند نوبت رد و بدل شدند، اما یکی از **مشهورترین نامه‌ها** که در آن اینشتین جمله معروف:

"من باور ندارم که خدا تاس می‌اندازد".
(I, at any rate, am convinced that He does not play dice.)

را نوشت، مربوط به **سال 1926** است.

زمینه تاریخی:

- در این دوران، **مکانیک کوانتومی** به‌تازگی توسط دانشمندانی مانند هایزنبرگ، بور، و شرودینگر توسعه یافته بود.
- اینشتین، اگرچه در بنیان‌گذاری مکانیک کوانتومی نقش داشت، اما با تفسیر کپنهاگی (که بر تصادف و عدم قطعیت تأکید داشت) مخالف بود.
- او در نامه‌هایش به ماکس بورن بارها انتقاداتی جدی به جنبه‌های فلسفی و احتمالاتی نظریه کوانتوم وارد کرد.

[۱۷] در حوزه تحقیقات ما در پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان، **جهان هستی** در هر دو بعد مادی و کوانتمی خود، به جهان تحت تاثیر علت و معلول اطلاق می شود که شامل همه مالتی ورس ها می شود.

[۱۸]**علوم تلفیقی:** با بنیان گذاری یک ساختار علمی بر اساس آنتولوژی استاد الهی که آن را علوم تلفیقی نام دادیم، چشم انداز یکپارچگی برخی علوم دانشگاهی مانند مکانیک کوانتم و فیزیک ذرات با متافیزیک مورد نظر ما امکان پذیر شد.

[۱۹] برای آشنایی بیشتر با بیوگرافی **استاد الهی** از لینک زیر استفاده کنید:

https://www.andishe.online/newpage139

[۲۰] **مبحث دوم. بررسی مرحله جمادی:** https://www.andishe.online/newpage20b84f03

[۲۱] **بعد کوانتمی:** مقصود همان روح یا میدان مغناطیسی ویژه است. برای کسب اطلاعات بیشتر از لینک زیر استفاده کنید:

https://www.andishe.online/newpage49

[۲۲] **میدان مغناطیسی:** با مطالعه هستی شناسی استاد الهی، به نظر می رسد علوم آکادمیک در شناخت میدانهای مغناطیسی، هنوز در حال پیمودن قدم های اول هستند. به کوتاه کلام: یک میدان مغناطیسی، بسیار پیچیده تر از آن چیزی می باشد که دانشمندان بدان دست یافته اند.

[۲۳] **ذرات زیر اتمی:** در شرح استاد از ایجاد خلقت، به نظر می آید، یازده نیرو و یا پدیده برای امر ایجاد و گسترش مالتی ورس ها ، از طرف منبع اصلی و ازلی خلقت در نظر گرفته می شوند. این پدیده ها، در طول یک دیگر قرار دارند و با آنکه همه آنها دارای انرژی و نقشه اولیه خلقت هستند، اما چون هر یک از آن پدیده ها، از پدیده یا موجود ماقبل خود بوجود آمده ، اطلاعات و سطح انرژی آنها نمی تواند با هم یکسان باشد. از این رو ما در پژوهشکده، یازده فرمیون جدول استاندارد را بازتاب همان یازده پدیده اولیه خلقت می دانیم و بر همان اساس، ایجاد جهان هستی را تشریح کرده ایم.

[۲۴] **دو منبع اصلی انرژی:** از دیدگاه ما، دو منبع انرژی تاریک (پوزیترونی) و نور(الکترونی) وجود دارد که همه مالتی ورس ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

[۲۵] **مالتی ورس:** وجود مالتی ورس ها در مجامع آکادمیک بطور رسمی تایید نشده است و در فرضیاتی که وجود دارد به بی نهایت از این جهانها اشاره می شود. دانشمندان منتظر شواهد تجربی هستند، اما تأیید یا رد این مدل‌ها در حال حاضر خارج از دسترس فناوری کنونی انسان است. این در حالی است که در هستی شناسی استاد الهی این مقوله بطور ساختاری و هدفمند توضیح داده شده اند. در این آموزه ها، استاد به یازده مالتی ورس اشاره می کنند و جایگاهخ سیاره زمین و جند سیاره دیگر را در پست ترین لوکیشن پایین ترین مالتی ورس می دانند.

[۲۶] **شبکه های هوشی:** یکی از مباحث مهم پژوهشکده اندیشه آنلاین آلمان است. این موضوع، پیرامون پیوستگی و تعامل اجراء مختلف با یکدیگر در جهت دست یابی به یک وضعیت پایدارتر در جهان بحث می کند.

[۲۷] **تئوری کوانتومگنتیک ها:** به شش زبان در پژوهشکده و در پلتفرم های جهانی انتشار داده شده اند. اطلاعات بیشتر در لینک زیر:
https://www.andishe.online/newpagec49f8d01

[۲۸] **زمان به عنوان بعد چهارم:** از آنجا که انرژی هر واحد موجود، دائمن در حال افزایش است، در نتیجه، زمان به عنوان یک عامل اصلی شناخته می شود.

